

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

محمد جعفری

۲۶ سپتمبر ۲۰۱۸

## ولایت فقیه، بدعت و فرعونیت به نام دین

۱۶



محمد جعفری

### ۵- شاهد نویدآور و بیم رسان

۱/۵ - إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا  
ما پیغمبری به سوی شما فرستادیم که بر شما گواه [الگو] است، چنان که رسولی به سوی فرعون فرستادیم. " (۴۸) کلمه  
شاهد در قرآن به معنای گواه، بیننده، نشان دهنده و الگو آمده است..

رسول خدا شاهد بر اعمال مردم است و خود او لازم است که الگو برای مردم باشد تا شاهد و گواه بر اعمال آنها باشد.  
در آیات بعدی این مفهوم روشن می شود.

۲/۵ - إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

" ما ترا فرستادیم تا شاهد امت باشی و امت را بشارت و هشدار دهی. " (۴۹)

مبشر بودن رسول یعنی این که افراد با ایمان و تقوی را به قرب خدا و داخل شدن در دریای بیکران مغفرت خداوند  
بشارت دهد و نذیر بودنش همچنان که در پیش آمد، یعنی اعراض کنندگان و کفار را به عذاب خداوند که نتیجه اعمال و  
دست پخت خودشان است، پیشا پیش بیم دهد.

۳/۵ - يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا \* وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا \* وَ بَشِيرًا لِلْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَثِيرًا \* وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُتَفَقِّهِينَ وَ دَعَا أَذَاهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَ كَيْلًا

" ای پیامبر ما ترا الگو [ گواه ] و بشارت دهنده و زنهار دهنده فرستادیم \* و دعوت کننده به اذن خدا و چراغی نور بخش قرار دادیم \* و مؤمنان را بشارت بده که از جانب خدا فضلی بزرگ دارند \* و کافران و منافقان را اطاعت مکن، و آزارشان را واگذار کن و توکل به خدا کن که خدا بس تکیه گاهی است." (۵۰)

داعی = دعوت کننده به سوی خدا که همان دعوت مردم است به سوی حق و ایمان به خدای یگانه.

سراج منیر = چراغی که نور افشانی می کند و وقتی به پیامبر سراج منیر گفته می شود یعنی این که او الگویی است که از خود با عملش نور افشانی می کند و کسی که به این الگو تاسی جوید راه هدایت را در او خواهد دید و از ظلمتهای شقاوت و گمراهی نجات پیدا می کند.

## ۶- الگوی نیکو

وقتی خداوند انسان را به راه رشد و سعادت و پرستش خود فرا می خواند و به ملتها وعده می دهد که اگر به دستورات و اوامرش عمل کنند، سعادت دنیوی و اخروی نصیبشان خواهد شد و الگوی ملتها خواهند بود و در نهایت به مقام خلیفه الهی نائل شده و به لقای پروردگار خواهند رسید. با وجودی که قرآن که نشان دهنده چنین راهی است که به بشر ارزانی داشته است. لاجرم باید الگویی باشد تا انسان با توجه به آن الگو و نمونه عینی تجربه شده، بتواند اعمال خود را با آن بسنجد و حرکت خود را در طول حیات بدان سمت تنظیم کند، خدای متعال این الگو را به مردم ارزانی داشته است و به طوری که بیان می فرماید: رسولان خود را و به ویژه رسول اکرم(ص) را برای مردم الگو قرار داده است.

۱/۶- وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

" و بدینسان شما را امت وسط قرار دادیم تا الگوی مردم باشید و رسول [خدا] الگوی شما باشد." (۵۱)

خداوند امت اسلام را، امتی وسط و الگو قرار داد، یعنی دین آنان دینی است که پیروان خود را به سوی راه وسط و میانه که صراط مستقیم عدالت است، هدایت می کند که نه افراط در آن راه دارد و نه تفریط، بلکه صراط عدل است. به عبارت دیگر هم به دنیا و مادیت نظر دارد و هم به آخرت و معنویت و بین مادیت و معنویت رابطه مستقیم بر قرار می کند چرا که "الدنیا مزرعة الآخرة" (۵۲) و "لا معاش له لا معاد له" (۵۳) راه معنویت و رسیدن به بهشت بیکران و دریای رحمت و مغفرت خداوند و به مقام خلیفه الهی نائل آمدن و حیات ابدی در جوار قرب الهی زیستن، از راه همین دنیای خاکی که استوار بر صراط مستقیم عدالت است می گذرد.

صاحب تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار در مورد این آیت و جمله «كذالك جعلناكم امة وسطا» آورده است: " ای خیاراً عدلاً- و تحقیق آنست که این " کذالک " در جای آفرین نهاده اند، چنانچه پارسی گویان چیزی ستودنی را که "چنان است". - شما را گروهی کردیم ای امت محمد "وسطا" - بهینه و گزیده. و از این گشادتر آنست که گفت- "کنتم خیر امة" و عرب بهینه هر چیزی را وسط خوانند، میان مرغزار که آب و گیاه بیشتر بود و نیکوتر وسط گویند، و مرد بهینه تر را - وسیط - خوانند و - اوسط - خوانند قال الله تع - "قال اوسطهم" ای خیرهم و اعدلهم. "التکونوا شهداء علی الناس" می گوید: "چون ایشان را اهل شهادت گردانید، صفت عدالت در پیش داشت که عدالت قرین شهادت است. یعنی - لتشهدوا علی الامم الرساله يوم القيامة، و یكون الرسول صدقکم شهیداً، ای معدلاً مزگیالکم." (۵۴)

بنا بر این جامعه وسط یعنی جامعه ای که بر قسط و عدل استوار باشد. و لغتنامه المنجد در مورد کلمه وسط آورده: وسط: بیسط وسطاً و بیسطه و القوم: جلس وسطهم، فهو اوسط و - وساطة القوموم فیهم: توسط فی الحق و العدل.

۲/۶- قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ...

" همانا ابراهیم در پیروی کردن برای شما الگویی نیکو است و آنان که با اویند." (۵۵)

ابراهیم الگوی نیکو برای پیروی کردن است زیرا او خود و عملش مجسمه آن چیزی است که می گوید و بدان باور دارد و کسانی هم که بر دین او هستند و از او پیروی می کنند، چنینند و کسانی هم که پشت کنند و برگردند، ضرری متوجه خدا نمی کنند.

۳/۶- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ  
"بردستی که در آنان [پیامبران] خدا برای شما الگویی [سرمشقی] نیکو است، برای کسانی که به خدا و روز باز پسین امیدوارند و آن که پشت کند، همانا خدا بی نیاز ستوده است." (۵۶)

پیامبر، سرمشق و یا اسوه ای نیکو است، کسانی که به خدا و قیامت ایمان دارند، بایستی نیک بدانند که این عمل برای تأمین سعادت خود آنهاست که خدا بی نیاز ستوده است و این شما هستید که نیاز مند نمونه ای متعالی هستید، تا زندگی خود را بر اساس این مدل متناسب با توان و استعداد خود، آن را سامان بدهید.

۴/۶- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا  
" همانا پیغمبر خدا برای شما الگویی [مقتدائی] نیکو برای کسانی است به خدا و روز باز پسین امید [وایمان] دارند و خداوند را بسیار یاد می کنند." (۵۷)

خدای متعال در این آیت، همان دو آیت پیشین را تأکید و تصریح می کند که ای مردم و کسانی که به خدا و قیامت ایمان دارید، بدانید که رسول خدا برای شما، مدل و الگوی حسنه ای است، یعنی این که عمل و رفتار پیامبر در زمینه های مختلف زندگی، نمونه و سرمشق متعالی است زیرا برای ساختن زندگی آینده خویش، نمونه و الگوی متعالی داشتن، نیازی اساسی است تا بر اساس آن مدل و راهنما انسان بتواند، زندگی خود را سازمان دهد و ما رسول خود را برای شما الگویی نیکو قرار دادیم. و به علت همین الگو و نمونه بودن به طوری که در فصول بعدی خواهید خواند، حکومت پیامبر و علی را نمی شود در عداد حکومت های دیگر به حساب آورد بلکه بایستی آن را به عنوان تجسم عینی يك الگوی مردمی برای جوامع انسانی که در آن شاهین داشتن حق اختیار تصمیم، آزادی، عدالت و داد که هدف اصلی انبیا است در آن درخشنده و تابنده است به حساب آورد.

نتایجی که در این فصل و با توجه به بیش از پنجاه آیه از آیات بیانات خداوند، به طور آشکار گرفته شد، به شرح زیر خلاصه می شود:

- بیم دهنده ای برای همه عالمیان، از جن و انس است و دعوت، دعوتی است عمومی و همگانی.
- پیامبر بشیر و نذیر است و مسؤولیت دوزخی شدن و نشدن مردم به عهده خداوند است و او مسؤول بهشت و جهنم مردم نیست.
- وظیفه رسول خدا فقط تبلیغ و رساندن پیام خداوند به مردم است و رسیدن به حساب و کتاب آنان بر عهده خداست.
- تنها وظیفه فرستادگان خدا بلاغ مبین است و بس.
- پیامبر نباید به خاطر صاحبان قدرت و یا کسانی که مقام و منصبی دارند، پیام خود را تمام و کمال به مردم نرساند.
- پیامبر چه عمرش به سر رسد و یا نه، در هر حال وظیفه اش، فقط ابلاغ است.
- پیامبر چراغی نور بخش و بشارت دهنده است.
- اگر مردم از پیام پیامبر روی بگردانند فقط بلاغ آشکار به عهده او است.
- عمل رسول خدا الگویی است برای مردم و امت اسلام.

- پیغمبر خدا الگوئی [مقتدائی] نیکو برای پیروی کردن است.
  - منکران آیت های خداوند ستمگرانند که مردم را از آزادی و حقوق ذاتی شان باز می دارند .
  - پیامبر نباید برای به دست آوردن دل صاحبان قدرت کسانی را که حق را پیروی می کنند رها کند.
- در دو فصل چهارم و پنجم به وضوح وظایف پیامبران و به ویژه پیامبر اسلام مشخص گردیده و تمام اموری را که آزادی و اختیار را از مردم سلب می کند و مانع می شود که امور زندگی مردم، به دست خودشان اداره شود، از پیامبرش سلب می کند و به صراحت اجازه انجام چنین اموری را به وی نمی دهد. حدود اختیارات و مسؤلیتیش نیز به اختیار آن حضرت واگذار نشده، وظایف و اختیارات رسالت و نبوت را خداوند خود در قرآن مشخص کرده است و از تجاوز به غیر آنچه که برایش مقرر داشته، بشدت از نزدیک شدن به آن نهی گردیده است.
- ادامه دارد

#### مراجعات:

- ۴۸- قرآن، سوره مزمل، آیه ۱۵
- ۴۹- قرآن، سوره فتح، آیه ۸
- ۵۰- قرآن، سوره احزاب، آیه ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸
- ۵۱- قرآن، سوره بقره، آیه ۱۴۳
- ۵۲- حدیث نبوی
- ۵۳- حدیث نبوی
- ۵۴- کشف الاسرار و عدة الابرار، معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، ج اول چاپ ۱۳۶۱، ص ۳۹۰
- ۵۵- قرآن، سوره ممتحنه، آیه ۴
- ۵۶- قرآن، سوره ممتحنه، آیه ۶
- ۵۷- قرآن، سوره احزاب، آیه ۲۱